فصلنامه علمی زن در فرهنگ و هنر، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۴، زمستان ۱۴۰۰ : ۶۴۷ـ۶۶۶
DOI: 10.22059/JWICA.2021.328352.1657

(مقالهٔ پژوهشی)

مطالعهٔ تطبیقی زبان زنانه و مردانه در آثار هنرمندان معاصر عرب با موضوع جنگ

صدیقه پورمختار[۱]، محسن مراثی[۲*]

چکیده

فمینیسم پست‌مدرن با گسترش تفاوت‌های زنانگی و مردانگی قائل به زبان زنانه است که آن را یک عامل متمایزکننده بین آثار هنری و ادبی زنان و مردان می‌داند و ویژگی‌هایی چون استفاده از نمادهای چندلایه و پیچیده، استفادهٔ خاص از تن در آثار و وارونه ساختن ارزش‌های زیبایی‌شناختی را برای آن برمی‌شمارند. در مقابل این دیدگاه‌ها، افرادی چون لیندا ناکلین مخالف شکل‌گیری چنین زبانی در آثار زنان هنرمند هستند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیل محتوا و با رویکرد تطبیقی در رابطه با شکل‌گیری زبان زنانه، به بررسی آثار هنرمندان معاصر زن عرب پرداخته و به‌دنبال پاسخِ این پرسش است که آیا زبان زنانه در آثار هنرمندان زن معاصر عرب شکل گرفته است؟ براین اساس، در کنار بررسی آثار زن عرب، آثار مردان عرب معاصر هم بررسی شده تا دستیابی به پاسخ پرسش با دقت بیشتری انجام گیرد. نمونه‌های مطالعه با موضوع جنگ انتخاب شده‌اند. از نتایج این پژوهش می‌توان به عدم شکل‌گیری زبان زنانه در این آثار و شباهت آنان با آثار هنرمندان مرد اشاره کرد.

کلیدواژگان

زبان زنانه، فمینیسم پست‌مدرن، هنر معاصر عرب، هنر و جنگ

۱. دانش‌آموختهٔ دکتری فلسفه هنر، مدرس مدعو دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
s.pourmokhtar@ut.ac.ir
۲. عضو هیئت‌علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد. (نویسنده مسئول) marasy@shahed.ac.ir
تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۰۵/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

مقدمه

فمینیسم مجموعه‌ای از جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است که هدف آنها ایجاد برابری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جنسیت‌هاست. این جنبش معتقد است که جوامع در طول تاریخ، دیدگاه مردان را اولویت قرار داده و با زنان به ناحق رفتار کرده و آنان را تحت تبعیض‌های گوناگون قرارداده‌اند. تلاش فمینیسم برآن است تا تغییراتی که شامل مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و ایجاد فرصت‌ها و نتایج آموزشی است، برای زنان برابر با مردان ایجاد شود (Niebrugge&Lengermann, 2011: 224-5)

جنبش زنان در ایالات متحده عموماً به موج اعتراض تبدیل شد، که هرکدام در دوره‌های زمانی مختلف با تاکتیک‌ها، ایدئولوژی‌ها و اهداف متنوع تنظیم شده‌اند. اولین موج از دهۀ ۱۸۴۰ شروع می‌شود. موج دوم، از اواخر دهۀ ۱۹۶۰ و موج سوم در دهۀ ۱۹۹۰ ظاهر شد. مطالعات موج اول بر جنبه‌های ساختاری و سازمانی جنبش متمرکز است. موج اول جنبش، به‌دنبال سیاست‌گذاری در سطح ملی و تغییر قانون‌گذاری است، که بیشتر با فاعلیت زنان سفیدپوست طبقۀ بالا و متوسط در زمینه‌های سازمانی و تابع جناح‌ها، پس از پیروزی در حق رأی، مشخص شده است. فشار میان انتظارات اجتماعی از خانواده و تجربیات زنان در آموزش و نیروی کار، همراه با عوامل دیگر مانند ظهور چرخۀ جنبش‌های جدید اجتماعی که ایالات متحده و اروپای غربی را فراگرفت، منجر به ظهور مجدد جنبش در دهۀ ۱۹۶۰ شد (Reger2011:224-5). مری ولستون کرافت[۱] با نوشتن کتاب *حقانیت حقوق زن*[۲](۱۷۹۲) تأثیر اصلی را بر این موج گذاشت. پس از وی، جان استوارت میل[۳] کتاب *انقیاد زنان*[۴] (۱۸۶۹) را نوشت که تأثیر مهم بعدی را بر این موج گذارد. نگارش این کتاب درحالی صورت گرفت که زنان در دورۀ ویکتوریا، در اوج سرکوب به‌سرمی‌بردند. گسترش حقوق مدنی و سیاسی، به‌ویژه اعطای حق رأی به زنان، خواسته و هدف اصلی این موج بود. البته در کنار هدف اصلی، اهداف فرعی نیز داشتند؛ ازجمله این اهداف می‌توان به دستیابی زنان به کار، آموزش، بهبود موقعیت زنان متأهل در قوانین، حق برابر با مردان برای طلاق و متارکۀ قانونی و قوانینی درخصوص مسائل جنسی اشاره کرد (Abbott and , Wallace 2005: 125-7). سیمون دوبووار[۵] با نوشتن کتاب *جنس دوم*[۶] (۱۹۴۹) و بتی فریدن[۷] با نگارش کتاب *رمز و راز زنانه*[۸] (۱۹۶۳) تأثیر اصلی را در برانگیختن موج دوم فمینسیم داشتند. دستیابی به موفقیت‌هایی چون گسترش آموزش‌وپرورش، شایستگی زنان برای ورود به مشاغل متعدد، پرداخت

---

۱. Mary Wollstonecraft (1759-1797) نویسنده و ادیب انگلیسی

2. Vindication of the Rights of Women

۳. John Stuart Mill (1806- 1873) فیلسوف، نویسنده و فعال سیاسی بریتانیایی

4. Subjection of women

۵. Simon de Beauvoir (1908- 1986) نویسنده و فمینیست فرانسوی

6. Second Sex

۷. Betty Friedan (1921-2006) نویسنده و فعال اجتماعی فمینیست امریکایی

8. The Feminine Mystique

دستمزد برابر به زنان، برخورداری از حقوق مدنی برابر موجب شد برخی از فمینیست‌ها درپی برداشتن گام‌های بعدی باشند. نجات زن هدف اصلی فمینیست‌ها در موج دوم بود، زیرا دستیابی به حقوق سیاسی و قانونیِ برابر با مردان مسئلهٔ زنان را کاملاً حل نکرده بود؛ بنابراین، صرف رهایی زنان از نابرابری‌ها کافی نبوده است و باید زنان را از دست مردان نجات داد. نقد دانشِ مردانه، نقد ساختارهای اعتقادی ریشه‌دار مانند "مردسالاری" و "قرارداد اجتماعی"، ردّ کلیت ازدواج، تأکید بر تجرد و حرفهٔ اقتصادی، ازجمله دیدگاه‌های مهم فمینیست‌ها در این موج به‌شمارمی‌آورد. موج سوم فمینیسم از اوایل دههٔ ۱۹۹۰ آغاز می‌شود. فمینیسم، که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در اوج خود به‌سرمی‌برد، در اواخر قرن بیستم با مشکلات زیادی مواجه شد و درنتیجه، در سرازیری انحطاط افتاد. شکاف‌ها و دسته‌بندی‌های آشکاری در درون جنبش زنان به‌وجودآمدند. اندیشه‌های برخی از پسانوگراها همچون میشل فوکو[۱] و ژاک دریدا[۲] در برانگیختن این موج، تأثیر بسزایی داشتند (Heywood 2003: 268). تمرکز این موج بیشتر بر فردیت و تنوع بود (Krolokke 2005: 24). موج سوم فمینیسم همچنین درصدد به‌چالش کشیدن یا اجتناب از تعاریف ذات‌گرایانهٔ[۳] موج دوم فمنیسم از موضوع زنانگی بود. به اعتقاد فمینیست‌های موج سوم، تجربیات زنان سفیدپوست طبقه‌ی متوسط، بیش از حد مورد تأکید فمنیست‌های موج دوم قرار گرفته است. (Leslie & Dark 1997: 129-133). فمینیست‌های موج سوم تمایل داشتند از تفسیری پساساختارگرایانه از جنس و جنسیت استفاده کنند و معتقد بودند که تفاوت‌های روانی مهمی بین جنس‌ها وجود دارد (Gilligan 1993: 184). در میان اندیشمندان پست‌مدرن و متأثر از موج سوم، لویس اریگاری[۴]، ژولیا کریستوا [۵] به تعریف مفاهیمی ازجمله "زبان زنانه[۶]" پرداختند تا تمایزی بیش از تمایز جنسیتی ایجاد کنند. در بخش مبانی نظری و مبحث زبان زنانه به این مفهوم بیشتر پرداخته می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

پیشینهٔ این پژوهش، در دو بخش بررسی شده است؛ ابتدا زبان زنانه و سپس آثار هنری زنان معاصر عرب. در رابطه با موضوع زبان زنانه مقالات مختلفی در سال‌های اخیر به‌چاپ رسیده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مقالهٔ قدرت‌اله طاهری با عنوان «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»

---

۱. Michel Foucault (1926-1984) فیلسوف، تاریخدان، و متفکر فرانسوی

۲. Jacques Derrida (1930- 2004) فیلسوف فرانسوی

3. Essentialism

۴. Luce Irigaray (1930) فمینیست، زبانشناس و نظریه‌پرداز فرهنگی اهل بلژیک

۵. Julia Kristeva (1941) فیلسوف، منتقد ادبی و روانکاو که تأثیر فراوانی بر فمینیسم و مطالعات ادبی فمینیستی و خوانش هنر معاصر گذاشته است

6. Parler Femme

(۱۳۸۸) به امکان وجود زبان زنانه می‌پردازد. در دو مقالهٔ «بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان سووشون بر پایهٔ نظریهٔ لیکاف» (۱۳۹۴) به قلم شیرزاد طایفی و مجتبی سلطانیان و «زنانه‌سرایی در شعر عربی، روندی نوظهور با پیشینه‌ای کمرنگ» (۱۳۹۶) اثر علی پروانه و علی سلیمی، نویسندگان به تمایز میان زبان زنانه و مردانه در شعر و رمان پرداخته‌اند. «بررسی گونه‌های کاربردی زبان زنانه در مرثیهٔ معاصر با تأکید بر مرثیه‌های سعاد صباح» نیز پژوهشی است از کبری روشنفکر و دیگران (۱۳۹۲) که به بررسی کاربرد زبان زنانه در مرثیه می‌پردازد. مقالهٔ دیگری با عنوان «بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران با تأکید بر نگاه جنسیتی» (۱۳۹۰) که سارا شریعتی مزینانی و مریم مدرس‌صادقی نگاشته‌اند، به سنجش نگاه جنسی یا غیر جنسی به زنان پرداخته شده است. «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمهٔ رمان» عنوان مقاله‌ای است از زهرا تقدمی نوغانی و ابراهیم عزتی (۱۳۹۴) که به بررسی و مقایسهٔ متن‌های ترجمه‌شدهٔ مترجمان زن و مرد با استفاده از الگوی فرکلاف و لیکاف می‌پردازد. در مقالهٔ «نقاشی زنان؛ نقاشی زنانه مقایسهٔ به‌کارگیری شگردهای بصری و سبک‌های هنری در نقاشی زنان و مردان» نویسندگان، محمدرضا مریدی و معصومه تقی‌زادگان (۱۳۸۸) بدون محدود شدن به پیش‌فرض‌های هنر زنانه و مردانه به مطالعهٔ تفاوت‌های نقاشی‌های زنان و مردان می‌پردازند. در مقالهٔ مهرنوش مددی و محمدرضا مریدی (۱۳۹۶) با عنوان «تاریخ غایب زنان نقاش ایران: مطالعهٔ جامعه‌شناختی زنان نقاش؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» نویسندگان به بررسی آثار نقاشان زن ایرانی در فاصلهٔ میان این دو انقلاب پرداخته و به یک الگو و تقسیم‌بندی برای مطالعهٔ آثار دست‌یافته‌اند. «صورت‌بندی مؤلفه‌های آثار نقاشی زنانِ ایران در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰» عنوان مقاله‌ای است از جواد علی‌محمدی اردکانی و مرجان ادراکی (۱۳۹۵) که به صورت‌بندی آثار نقاشی زنان معاصر ایران در دو دههٔ ۷۰ و ۸۰ می‌پردازد.

دینا لطفی[1] (2019) در مقالهٔ خود با عنوان Bridging the Gap Between Modern and Contemporary Arab Art and Arab People در جست‌وجوی راهی است که با برقراری ارتباط میان مردم عرب و هنر معاصر عرب، گفت‌وگو کند و گفتمانی برای شناساندن این هنر و تولید بیشتر این آثار هنری ایجاد کند. حنان توکان[2] (2019) در مقالهٔ خود با عنوان On Being the Other in Post-Civil War Lebanon: Aid and the Politics of Art in Processes of Contemporary Cultural Production به بررسی سیاست‌گذاری‌های هنری و تولید آثار هنری معاصر لبنان می‌پردازد. الیزابت. ای. بلوم‌فیلد[3] (۲۰۱۵) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان Gender Role Stereotyping and Art Interpretation به بررسی نقش جنسیت در تفسیر اثر هنری می‌پردازد.

ملاحظه می‌شود که در پژوهش‌های پیش‌گفته، به زبان زنان بیشتر در آثار ادبی چون شعر، رمان و مرثیه پرداخته شده است و یا به تمایز ترجمهٔ زن و مرد از یک متن، که بیشتر به مقولهٔ زبانی اشاره

1. Dina Lutfi
2. .Hanan Toukan
3. Elizabeth A. Bloomfield

دارد. در مقاله‌هایی هم که در ارتباط با هنر پرداخته شده، طی یک پژوهش میدانی کوشش شده از تعدادی آثار زنان و مردان به یک تقسیم‌بندی و تمایز میان آنها نزدیک شوند. بخش دیگری از پیشینه مرتبط با آثار هنری زنان عرب است که تا زمان نگارش این پژوهش هیچ پژوهش داخلی در این رابطه به ثبت نرسیده بود و آنچه هم که در اینجا آورده شده، نگاهی کلی به هنر معاصر عرب، و نه اختصاصاً هنرمندان زن عرب، دارد و موضوعاتی همچون وجه گفتمانی هنر عرب معاصر و یا تلاش در بهبود شرایط تولید آثار هنری مورد توجه قرار گرفته و در مقالهٔ آخر نیز تنها تفاوت تفسیرهای زنان و مردان از آثار هنری بررسی شده که عوامل مختلفی را می‌تواند شامل شود.

اما در پژوهش حاضر، اصطلاح زبان زنانه برگرفته از آرای فمینیست‌های پست‌مدرن به‌عنوان مبنای نظری انتخاب شد و براساس آرای موافقان و مخالفان این زبان، ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برای آن تعیین گشت و سپس آثار هنری زنان و مردان معاصر عرب با این شاخص‌ها تطبیق داده شدند. انتخاب چنین موضوعی و بررسی هنر معاصر عرب از نوآوری‌های این پژوهش، هم در روش و هم در انتخاب موضوع، بوده است که می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.

روش تحقیق

این مقاله پژوهشی کیفی است و از روش تحلیل محتوای کیفیِ برگرفته از مبانی نظری، جهت بررسی نمونه‌ها بهره برده و پژوهش به‌روش توصیفی تحلیلی و با رویکردی تطبیقی انجام گرفته است. جمع آوری اطلاعات به‌شیوهٔ کتابخانه‌ای و ابزار جمع‌آوری اطلاعات از طریق یادداشت‌برداری است. همچنین این پژوهش براساس مقولات و شاخص‌های برگرفته از مبانی نظری به بررسی آثار زنان و مردان هنرمند معاصر از کشورهای عرب پرداخته، شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنرمندان زن عرب را وامی‌کاود. به این شکل که ابتدا در بخش مبانی نظری، مباحث مربوط به زبان زنانه ــ که ازسوی موافقان و مخالفان آن مطرح شده ـ بیان می‌شود و سپس از میان این مواضع شاخص‌هایی از هر دو طرف تعیین می‌شود. در بخش بررسی آثار ابتدا آثار هنرمندان مرد و سپس آثار زنان هنرمند با شاخص‌های تعیین‌شده مطابقت داده می‌شود تا مشخص شود که آثار انتخابی را در ذیل کدام گروه (موافقان یا مخالفان زبان زنانه) می‌توان قرار داد.

جامعهٔ آماری این پژوهش آثار هنری معاصر (۱۰۰ سال اخیر) کشورهای عرب با موضوع جنگ است. با توجه به موضوع مقاله برای بررسی شکل‌گیری زبانه زنانه در آثار هنرمندان زن لازم بود آثار هنرمندان مرد و هم‌عصر آنان انتخاب و به‌صورت تطبیقی بررسی شود. از آنجا که پژوهش حاضر یک پژوهش تبیینی است نه تعمیمی، روش گزینش نمونه‌ها به شیوهٔ انتخابی صورت پذیرفته و تعداد ۱۰ اثر از هنرمندان مرد و ۱۰ اثر از هنرمندان زن معاصر از کشورهای مختلف عرب انتخاب شده‌اند. بیشتر آثار از سایت‌های رسمی این هنرمندان و برخی هم از سایت‌های معتبر هنری انتخاب شده‌اند. در

گزینش آثار هنری کوشش شده از آثار هنرمندان همهٔ کشورهای عرب استفاده شود.

یکی از مفاهیمی که قائلان به زبان زنانه بر آن تأکید دارند، مفهوم «بیزاری» است که افراط این احساس در آثار هنری و ادبی، یکی از عناصر و پایه‌های زبان زنانه را تشکیل می‌دهد. براین اساس، در این پژوهش به بررسی آثاری پرداخته شده است که موضوع آنها جنگ است، زیرا به‌یقین می‌توان گفت که یکی از اولین واکنش‌هایی که نسبت به جنگ وجود دارد بیزاری است. این پژوهش با یک بررسی بی‌طرفانه ابتدا به واکاوی دیدگاه‌های مبتنی بر وجود زبان زنانه و سپس بررسی مخالفان آنها پرداخته و بر این مبنا با رویکردی تطبیقی دیدگاه‌های مخالف و موافق را به بوتهٔ آزمایش کشیده است.

در این پژوهش با توجه به دیدگاه‌های موافقان و مخالفان زبان زنانه کوشش شده برای این اصلاح ویژگی‌هایی تعیین شود تا براساس آنها با توجه به آثار هنری، بتوان شکل‌گیری این زبان را ردیابی کرد؛ بنابراین ابتدا مقصود از زبان زنانه، با تکیه بر آرای فمینیست‌های پست‌مدرن، تعیین می‌شود. از آنجا که آثار هنری هم از جنبهٔ صوری (عناصر و فرم‌های شیوهٔ نمایش تصویری اثر) و هم محتوایی (موضوع، مضمون و نوع ارتباط هنر و جنگ) بررسی می‌شوند، جدول‌هایی بر همین اساس تنظیم شد تا موارد تطبیق داده‌شده، آسان‌تر بررسی شوند. در بخش محتوایی جدول‌ها به بررسی نوع ارتباط جنگ و هنر پرداخته شده و جهت روشن‌تر کردن بحث (وجه محتوایی اثر هنری)، در بخش مبانی نظری بخشی با عنوان هنر و جنگ درنظر گرفته شد که به ارتباط محتوایی هنر و جنگ می‌پردازد. درنهایت، یافته‌ها با تکیه بر چارچوب نظری تحلیل و نتیجه‌گیری شده‌اند.

مبانی نظری تحقیق

زبان زنانه

اصطلاح زبان زنانه را می‌توان در آرای فمینیست‌های پست‌مدرن به‌ویژه لوسی اریگارِی و ژولیا کریستوا ریشه‌یابی کرد. اریگارِی در مطالعات خود، در آغاز به مباحث زیبایی‌شناسی نپرداخت، اما به‌تدریج به‌واسطهٔ مباحثی که دربارهٔ زبان به‌میان کشید، هنر را ابزاری برای بیان ذهن زنانه تلقی کرد. اریگاری معتقد است که در فلسفه، همه‌چیز به تقابل‌های دوگانه تقسیم می‌شود. ارزش‌ها تنها به یک سمت اختصاص دارند و سویهٔ دیگر، به دیگری تبدیل می‌شود. اولین و پایه‌ای‌ترینِ این تقابل‌ها، تقابل جنسیتی بین زن و مرد است که در آن مردانگی واجد ارزش و زنانگی آینه‌ای است که مردانگی را تأیید می‌کند (Irigaray 1985: 304-5). در طول تاریخ، ذهنیت بشریت با همین گفتمان شکل گرفته است و اگر بخواهیم گفتمانی با زبان جدید زنانه را جایگزین این گفتمان کنیم، با شکست مواجه می‌شویم. راه‌حل اریگاری این است که یک بازی با گفتمان نرینه‌محور، و طبق قواعد خودش انجام دهد، که هدفش به‌سخره‌گرفتن و نشان‌دادن تناقض‌های درونی و درنهایت رساندن آسیب درونی به آن است. در این بازی، آینه چیزی شبیه و یکسان به‌دست نمی‌دهد، بلکه می‌چرخد، اعوجاج دارد و تصاویری آشفته،

مضحک، مبهم و نابه‌جا را نشان می‌دهد تا ذهنی را که نرینه‌محور است، گیج کند (Irigaray 1985: 353-5). اریگاری با تأکید بر توانایی زنان در به‌دنیاآوردن فرزند، معتقد است که زنان می‌توانند چیزهایی چون هنر، فکر، کلمات و زبان را متولد کنند و با ایجاد فضایی زنانه، به بالندگی دست‌یابند (Irigaray 1993: 18-20).

او نقدهای سنتی فلسفی را به خودِ زبان می‌کشاند و ایدهٔ «بسان یک زن سخن‌گفتن» را مطرح می‌کند. از طرف دیگر اریگاری بدن زنانه را کانون بیانگری هنری می‌داند، به‌عبارت دیگر موضوع قرارگرفتن تن در آثار هنری و ادبی ازمنظر وی نوعی زبان زنانه به‌حساب می‌آید. اریگاری در این بحث به‌جای مفهوم "والایی[1]" کلاسیک و متزلزل ساختن جایگاه آن، ابژهای بیزارکننده را برجسته می‌سازد که تا این زمان نشان‌دادنی نبودند. در این سخن گفتن از بدن هم بدون توجه به اندام‌های بیرونی، بر بخش‌های درونی نیز، که گرم، تاریک و چسبناک هستند، تمرکز می‌کند و آگاهانه بی‌توجه به زیبایی کلاسیک، تا رازآمیز و غیرعادی بودن پیش می‌رود (کرس‌میر ۱۳۹۰: ۲۷۶-۲۸۷).

ژولیا کریستوا در مباحث خود پیرامون زبان زنانه و بحث بیزاری، از واژه‌ی abject استفاده می‌کند که به‌معنی بیرون راندن در لاتین است. کریستوا معتقد است این روند بیرون راندن باید صورت پذیرد تا کیستی ذهنی و فردی شکل بگیرد و آن را با ارتباط میان مادر و فرزند شرح می‌دهد، که با بدن مادر و کودک آغاز می‌شود؛ کودک از بدن مادر بیرون رانده می‌شود و کودک راه یافتن به کیستی خود را در فرایندی در پیش می‌گیرد. این خود و خویشتن نظامی پویا ولی در عین حال سست و شکننده است که استقلال آن باید همیشه محافظت شود. یکی از عناصری که به این استقلال ضربه می‌زند، بیزاری است. بیزاری از ابژه‌هایی پدید می‌آید که مرزهای آن ناروشن و گنگ است. abject در این روند دستخوش فرسودگی، پوسیدگی و گندیدگی می‌شوند؛ بنابراین این روند بیرون راندن باز بیکران و هراس‌آور است، اما در عین حال پیش‌نیازی برای کیستی ذهنی است تا پرورش یابد و برای هستی یافتن هر خود و خویشتنی لازم است، اما در این روند دستیابی به کیستی و خود و خویشتنی چیزی هم ازدست‌می‌رود که در مثال مادر مهر سرشار مادرانه که با رانده‌شدن از بدن مادر که به‌صورتی یک تن بودند و هیچ مرزی میان آنها نبود، کم‌کم کاهش می‌یابد. ازنظر کریستوا، این نوع از حس بیزاری می‌تواند در آثار هنری نمود یابد و در برخی آثار بیماری، پیری و مرگ و... حالت بیزاری را تداعی کند. گاهی این حس به‌سختی و مشمئزکننده به تصویر کشیده می‌شود. هنر با پیش‌کشیدن این امور آلوده و چندش‌آور که برای ازبین‌بردنشان تلاش می‌کند، نقش تطهیر و تهذیب‌کننده را برعهده می‌گیرد (مک‌آفی ۱۳۹۲: ۷۵-۸۲).

در برخی آثار هنر فمینیستی بر میرایی هستی فیزیکی تأکید می‌شود و آن را با آرامش‌زدایی، بیزارکننده و چندش‌آور به تصویر می‌کشند؛ تصاویری که آگاهانه آرامش را برهم می‌زنند و بیزاری را

1. Sublimity

می‌آفرینند. از این منظر بیزاری همچون واکنشی زیبایی‌شناختی برای هنرهایی که می‌خواهند در موضوعی اغراق کنند و یا آن را از ریخت بیاندازند، مناسب است. به‌عنوان مثال در این نوع هنرها به‌جای استفاده از قواعد کلاسیک در رابطه با تن، تصاویری از بدن زخم‌خورده و خونین، پیر و فرتوت، چرکین و آلوده را به نمایش می‌گذارند (کرس‌میر ۱۳۹۰: ۲۸۴).

در حوزهٔ زبان، لیکاف[1] به تمایز میان زبان زنانه و مردانه قائل است و آن را در چهار سطح زبانیِ آوایی، واژگانی، دستوری و ارتباطی بررسی و در هربخش برای زبان زنانه ویژگی‌هایی متمایز مطرح می‌کند؛ نامفهوم بیان کردن حروف صدادار (آوایی)، استفادهٔ بیشتر از صورت‌های عاطفی کلام (واژگانی)، استفادهٔ بیشتر زنان از پرسش‌های غیرمستقیم و کوتاه (دستوری)، استفادهٔ بیشتر (نسبت به مردان) از لحن غیرمستقیم و مؤدبانه (ارتباطی)(Lakoff 1973: 24) .

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان ویژگی‌های زبان زنانه را این چنین جمع‌بندی کرد؛ این زبان قواعد حاکم را به‌سخره می‌گیرد و در مباحث زیبایی‌شناسی تلاش می‌کند با استفاده از نمادهای پیچیده، مبهم و گاه نامفهوم، تصاویر آشفته، مبهم و گیج‌کننده، تناقض‌های درونی را جلوه‌گر کند. آثار و یا فضایی که زبان زنانه آنان را خلق می‌کند، هرگز مانند آینه عمل نمی‌کنند و شبیه آثار مردان نیستند. تن و تابوها در این زبان مورد توجه قرار می‌گیرد، و گاه به‌قدری افراطی‌اند که حسّ بیزاریِ چندش‌آوری را القا می‌کنند.

لیندا ناکلین[2] از طرف دیگر به سبک و یا زبان متمایز زنان نسبت به مردان که بر ویژگی‌های خاص و تجربهٔ آنان اشاره دارد، قائل نیست. از نظر وی، صرف انتخاب یک‌سری قلمرو جهت موضوعات خاص و یا محدودیت برای آنها، نباید به یک سبک برابر تبدیل شود، چه برسد به نوعی از سبک کاملاً زنانه. این برداشت فمینیست‌های پست‌مدرن ازنظر ناکلین نوعی برداشت شخصی آنان بوده و معتقد است که آنان از چیستی هنر برداشت درستی نداشته‌اند. از این منظر زن بودن هنرمند خصوصیتی است مانند ملیت، سن، .... ازنظر وی تمایز میان سبک زنانه و مردانه در خلق آثار هنری براساس یک طبقه‌بندی کلیشه‌ای بوده و بنابر دلایل مختلفی ازقبیل شرایط اجتماعی، نژاد، ملیت و ... متفاوت است. به‌زعم او آثار هنرمندان زن هر دوره به آثار دورهٔ خودشان شبیه است (Nochlin 1989: 174)؛ بنابر نظریات ناکلین، می‌توان دلایل مخالفت وی با شکل‌گیری زبان زنانه و یا حتی با ماهیت این مفهوم را در دلایل زیر خلاصه کرد:

آثار خلق‌شدهٔ زنانِ هنرمند شبیه آثار هم‌عصر خود هستند، و اگر هم در آثاری تفاوتی احساس می‌شود، تنها در تجربیات متفاوت هنرمندان از جهان اطرافشان و نحوهٔ آموزش آنها با یکدیگر است و چه‌بسا که این تفاوت را حتی بتوان در آثار دو هنرمند مرد هم مشاهده کرد.

1. Robin Lakoff
2. Linda Nochlin

رابطهٔ جنگ و هنر

شاید بتوان جنگ را مخرب‌ترین فعالیت شناخته‌شدهٔ بشریت دانست. هدفش استفاده از خشونت است و پیامدهایی چون غارت، مهاجرت اجباری، زخمی‌شدن،گرسنگی و کشته‌شدن را در پی‌دارد تا مخالفان مجبور به تسلیم شوند. هنر تجسمی رابطهٔ دیرینه‌ای با جنگ دارد و هم در محکومیت و هم در ترویج آن نقش اساسی دارد. داون برانکاتی[1] ارتباط میان هنر و جنگ را در چند سطح معرفی می‌کند: استفاده از هنر برای تقویت جنگ؛ حکومت‌ها هنرمندان را مأمور کرده‌اند که تبلیغاتی را برای ایجاد پشتیبانی مردمی از جنگ ایجاد کنند. این هنرمندان در کارهای خود طرف مقابل را پرخاشگر، قدرتمند و وحشی توصیف کرده‌اند تا خصومت و ترس را برای طرف مقابل ایجاد کنند. آنها برای برانگیختن حسّ ملی‌گرایی و غرور در میان هموطنان، پیروزی‌های میدان جنگ را به تصویر کشیده‌اند و برای تأکید بر لزوم حمایت مداوم، تلفات جنگ را برای سربازان و شهروندان ترسیم کرده‌اند. از هنر برای مقابله با جنگ استفاده می‌شود، همان‌طورکه دولت‌ها به هنرمندان سفارش داده‌اند تا از جنگ حمایت کنند، سازمان‌های ضدّ جنگ نیز هنرمندان را مأمور تضعیف همدردی با جنگ و حمایت مادی کمتر از آنها کرده‌اند. البته بسیاری از هنرمندان نیز برای تحریک صلح، به‌طور مستقل هنر تولید کرده‌اند. این هنرمندان در کار خود بر لزوم خاتمه بخشیدن به جنگ‌ها با به‌تصویرکشیدن وحشی‌گری جنگ تأکید کرده‌اند. هنر برای تسکین پس از جنگ استفاده می‌شود. پس از پایان جنگ‌ها، از هنر برای جمع‌آوری کمک‌های مالی برای سربازان آسیب‌دیده در جریان جنگ‌ها و کمک به پناهندگان آواره استفاده شده است. همچنین از هنر جهت ایجاد اشتغال برای رزمندگان سابق و بازتوانی عاطفی رزمندگان سابق استفاده شده است. هنرمندان حتی از اسلحه‌های جنگ برای ساخت آثار هنری استفاده کرده‌اند (Brancati 2018). براین اساس می‌توان ارتباط بین هنر و جنگ را چنین برشمرد؛ مقابله و مخالفت با جنگ، تقویت مبارزه، تسکین و امید پس از جنگ، ایجاد روحیه برای رزمندگانِ جنگ و تجلیل از فداکاران جنگی.

تحلیل آثار

پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل آثاری از هنرمندان عرب می‌پردازد که با موضوع جنگ خلق شده‌اند. کشورهای عرب ۲۲ کشور را دربرمی‌گیرند که زبان رسمی و یا یکی از زبان‌های رسمی آنها عربی است. این کشورها شامل کشورهای عراق، سوریه، لبنان، اردن، عربستان سعودی، بحرین، قطر، امارات، عمان، یمن، کویت، مصر، لیبی، تونس، الجزایر، مراکش، موریتانی، سودان، سومالی، فلسطین، جیبوتی و مجمع‌الجزایر قمر هستند (Lutsky 1960: 353-355) . برخی از این کشورها درگیر جنگ‌هایی بوده‌اند

1. Dawn Brancati

که هنرمندان آنها به شیوه‌های مختلف به این موضوع پرداخته‌اند. با توجه با ماهیت این پژوهش ابتدا آثار هنرمندان مرد و سپس آثار هنری زنان عرب، هم از نظر صوری و هم از نظر موضوع و محتوا، بررسی می‌شود تا شکل‌گیری زبان متمایز در آثار هنری آنها مشخص گردد. در این تحلیل کوشش شده آثاری از تمام کشورهای عربی انتخاب شوند.

جدول شمارهٔ ۱ــ آثار هنری مردان عرب با موضوع جنگ ــ طراح: نگارندگان

	اثر / منبع	هنرمند/ کشور/ سال	عناصر و فرم‌های شیوهٔ نمایش تصویری اثر	موضوع و محتوا / نوع رابطه با جنگ
۱	barjeelartfoundation.org	محمود صبری[۱]/ عراق/ ۱۹۶۱	فضای دوبعدی، رنگ سیاه و قرمز، ردیف تشییع‌کنندگان، حالت غمگین، خطوط و رنگ‌ها در خدمت موضوع	مراسم تشییع شهید، احترام به شهیدان، تخریب‌گری جنگ / تجلیل از فداکاران جنگی
۲	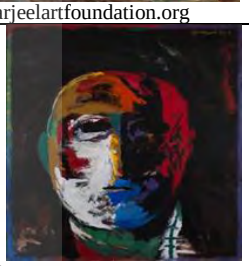 azzawiart.com	دیاالعزاوی[۲]/ عراق/ پرترهٔ شهید/ ۱۹۹۹	فضای دوبعدی، پس‌زمینهٔ تیره، تنوع رنگ‌ها در پرتره، نگاه خیره به مخاطب	تخریب‌گری جنگ، فداکاری برای دفاع از میهن/ تجلیل از فداکاران
۳	syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy/	ویسام‌الجزایری[۳]/ سوریه/ ۲۰۱۳	فضای دوبعدی، سلاح‌های کشتار جمعی، همخوانی فضا و رنگ‌ها با موضوع، ورود هواپیمای جنگی از فضای بالای کادر، استفاده از خطوط اکسپرسیونیستی	تخریب‌گری جنگ، ایجاد وحشت و پریشانی/ مقابله و مخالفت با جنگ
۴	en.syriaartasso.com/artists/amr-fahed	امرفهد[۴]/ سوریه/ ۲۰۱۲/	تیرگی پس‌زمینه، استفاده از نماد بال فرشته	تخریب‌گری جنگ، معصومیت، کودکان و قربانی‌شدن آنها / مقابله و مخالفت با جنگ

۱. Mahmoud Sabri (1927-2012) نقاش عراقی و از پیشگامان هنر مدرن عراق.
۲. Dia Azzawi (1939) نقاش و مجسمه‌ساز عراقی و از پیشگامان هنر مدرن عربی.
۳. Wissam Al Jazairi (1990) هنرمند سوری.
۴. Amr Fahed(1982) نقاش و مجسمه‌ساز سوری.

۵	iraqi-art.com/gallery/	حلیم‌کسیم[۱] / عراق/ ۲۰۱۱/	فضای تیره و روشن، ردیف سربازان با اسلحه با رنگ تیره، ایجاد فضای خشونت‌بار، کودک شاهد این خشونت، تمرکز نور بر کودک	رعب و وحشت حاصل از جنگ، تأکید تأثیرات منفی جنگ بر کودکان، تخریب‌گری جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ
۶	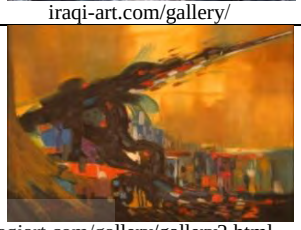 iraqiart.com/gallery/gallery2.html	محمدمسیر[۲] / عراق/ ۲۰۰۵	فرمی از اسلحه که رو به سرزمینی نشانه رفته است، تأکید بر قدرت تخریب‌گری اسلحه با فضایی که اشغال کرده، تیرگی اسلحه	تمرکز بر وسایل جنگی، تخریب‌گری در جنگ، ازبین‌رفتن یک سرزمین با اسحله‌ای کوچک / مقابله و مخالفت با جنگ
۷	syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy	ویسام الجزیری/ سوریه/ ۲۰۱۰/	بمب در حال افتادن از آسمان، استفادهٔ نمادین از کودک	ویژگی‌تخریب‌گری جنگ‌ها، ازبین رفتن آینده، ازبین‌رفتن نسل‌ها، تأثیرات مخرب جنگ بر حال و آینده/ مقابله و مخالفت با جنگ
۸	tammamazzam.com/	تمام اعظم[۳] / سوریه/ ۲۰۱۳	استفاده از نماد صلح کبوتر، استفادهٔ کنایه‌آمیز از نماد صلح زیتون، استفاده از فشنگ به‌جای شاخهٔ زیتون	کنایه به مدعیان ظاهری صلح، تأکید بر واژگون شدن مفاهیم صلح، جنگ‌افروزی کبوتر (نماد صلح)/ مقابله و مخالفت با جنگ
۹	louaykayali.com/home.htm	لوای کیالی[۴] / سوریه/ ۱۹۹۶	زنان و کودکان در جامه‌های تیره، استفاده از چهره‌های اکسپرسیونیستی برای نشان دادن غم، پاهای برهنه و چهره‌های درهم و پریشان	وضعیت دائمی آوارگان فلسطینی، حالت ناامیدی از آینده، مبهم ساختن آینده برای زنان و کودکان، حالت پریشانی و غم در سازندگان آینده / مقابله و مخالفت با جنگ

۱. Haleem Kasim (1977) نقاش و طراح عراقی.
۲. Mohammed Mssayer (1963) نقاش و طراح عراقی.
۳. Tammam Azzam (1990) نقاش و گرافیست سوری.
۴. Louai Kayyali (1934-1978) نقاش سوری.

۱۰	al-bab.com/artwork/naim-ismail	نعیم اسماعیل[۱]/ سوریه/ ۱۹۶۹	استفادهٔ نمادین از مبارزان آزادی، استفاده از رنگ‌های سبز و سفید، قدرت آرمانی مبارزان	ترغیب به دفاع از آزادی، قاطعیت مبارزان در هدف، حمایت از مردم سرزمین/ تقویت روحیهٔ مبارزه و دفاع

در جدول شمارهٔ ۱ که مربوط به آثار با موضوع جنگ هنرمندان معاصر مرد عرب است، تعداد ۱۰ نمونه بررسی شد که آثار با موضوعات مختلفی چون شهیدان، ایجاد رعب و وحشت، کودکان و زنان و آثار تخریب جنگ بر آنها، درخطر قرارگرفتن نسل‌های آینده با تأثیرات مخرب جنگ و تجلیل از مبارزان خلق شده‌اند. در ارتباط با کیفیات بصری و ویژگی‌های صوری در برخی آثار از سبک اکسپرسیونیستی استفاده شده است تا بتوانند وضعیت را با استفاده از این شیوه بهتر و عمیق‌تر به تصویر بکشند. استفاده از نمادهایی همچون صلح (کبوتر) و یا جنگ‌افروزی در آثار به‌کاررفته است و همچنین استفاده از رنگ‌های تیره که تداعی‌کنندهٔ غم و پریشانی و یا رنگ سفید که به‌صورت نمادین معصومیت و بی‌گناهی کودکان را نمایش می‌دهد و از تیرگی‌های موجود در جنگ متمایز است، از دیگر ویژگی‌های صوری این آثار هستند.

جدول شمارهٔ ۲ـ آثار هنری زنان عرب با موضوع جنگ- طراح: نگارندگان

	اثر/ منبع	هنرمند/ کشور/ سال تولید اثر	عناصر و فرم‌های شیوهٔ نمایش تصویری اثر	موضوع و محتوا / نوع ارتباط با جنگ
۱	hayvkahraman.com/project/works-on-paper	هیف کهرمان[۲]/ عراق/ ۱۹۹۷	فضای دوبعدی، پیکره‌های دربند در یک ردیف، رنگ غالب سیاه، سرهای افتاده، بیان غم در چهره‌ها، حالت تعلیق	غم و پریشانی از جنگ، نابسامانی و بیچارگی / مقابله و مخالفت با جنگ
۲	thurayaalbaqsami.com	ثریا البقصمی[۳]/ کویت/ ۱۹۹۲	فضای دوبعدی، استفاده از نماد، تعامل انسان و پرندهٔ صلح، استفاده از فضای تیره و روشن	تلاش برای صلح / مقابله و مخالفت با جنگ و تجلیل از مبارزان

۱. Naim Ismail (1930-1979) نقاش سوری

۲. Hayv Kahraman (1991) طراح، نقاش و مجسمه‌ساز عراقی.

۳. Thuraya Al-Baqsami (1952) هنرمند و نویسندهٔ کویتی.

۳	afifaaleiby.com	عفیفه‌البی[۱] / عراق/ ۱۹۹۱	فضای چندساحتی، فضای چندزمانی، استفاده از رنگ‌ها به‌صورت نمادین، ترک‌های زمین، پای قطع‌شده و سایر عناصر تخریب‌شده حالت غم و غصه	تخریب‌گری مادی و معنوی (فرهنگی) جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ
۴	tamam-alakhal.com	تمام الاخال[۲] / فلسطین/ ۲۰۰۷	عناصر جنگ مثل سیم خاردار، خانه‌های خراب‌شدهٔ کودک آواره، کبوتران اما بدون چشم، نقش نمادین رنگ‌ها: سیاه و قرمز، در آن‌سوی کبوتران (صلح) سبزی و خرمی	تأکید بر تأثیر جنگ بر کودکان، نادیده گرفته‌شدن صلح و کودکان / مقابله و مخالفت با جنگ
۵	encyclopedia.mathaf.org.qa/en/bios/Pages/Inji-Efflatoun.aspx	انجی افلاطون[۳] / مصر/ ۱۹۷۰	تمرکز بر بافت، شیوهٔ اکسپرسیونیسم، سربازی در حال جنگ، استفاده از رنگ‌های مکمل	حمایت از سرباز مدافع وطن، ترغیب به مقابله با دشمن / تجلیل از مبارزان
۶	souadjundi.com/contact.php	سعادالجندی[۴] / لبنان/ ۲۰۱۳	فضای دوبعدی، رنگ غالب خاکستری، استفاده نمادین از رنگ قرمز، نشانه‌های دینی	آسیب جنگ به دین و بناهای‌شهری (تمدنی)، نشان‌دادن تخریب‌های جنگ / مقابله و مخالفت با جنگ
۷	artsy.net/artist/mona-hatoum	مونا حاتوم[۵] / فلسطین/ بی‌نهایت/ ۲۰۰۸	مجسمه‌های کوچک به‌هم‌پیوسته به‌صورت دو دایرهٔ به‌هم‌چسبیده، رنگ تیره	آسیب‌های‌جنگ، برگشت اهداف خصمانه به خود / مقابله و مخالفت با جنگ

۱. Afifa Aleiby (1953) هنرمند عراقی.
۲. Tamam Al-Akhal (1953) نقاش فلسطینی.
۳. Inji Aflatoun (1924-1989) نقاش و فعال اجتماعی مصری.
۴. Souad Aljundi(1962) نقاش لبنانی.
۵. Mona Hatoum(1952) هنرمند در زمینه‌های چندرسانه، چیدمان مجسمه‌سازی اهل فلسطین.

۸	barjeelartfoundation.org	لیلا نصیر[۱] / سوریه/ ۲۰۰۳	فضای دوبعدی، استفاده از رنگ‌های روشن، استفادهٔ نمادین از رنگ‌ها	تجلیل از مدافعان میهن، تشییع پیکر شهید/ تجلیل از فداکاران
۹	artnet.com/artists/neziha-selim	نزیهه سلیم[۲] / عراق/ ۱۹۸۲	فضای دوبعدی، فضای تیره و روشن، استفاده نمادین از رنگ قرمز، لبخند رضایت	تجلیل از شهیدان و خانوادهٔ آنها، نقش حمایتی خانواده شهدا/ تجلیل از فداکاران
۱۰	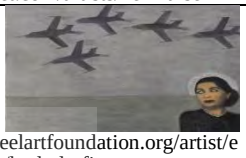 barjeelartfoundation.org/artist/egypt/huda-lutfi	هدی لطفی[۳] / مصر/ ۲۰۰۸	فضای دوبعدی، سلاح‌های کشتار جمعی، همخوانی فضا و رنگ‌ها با موضوع، ورود هواپیمای جنگی از فضای بالای کادر	تخریب‌گری جنگ، ایجاد وحشت پریشانی / مقابله و مخالفت با جنگ

بررسی شکل‌گیری زبان زنانه

در بررسی آثار زنان عرب که در جدول شمارهٔ ۲ آمده است، مضامینی چون حالت تعلیق و پریشانی حاصل از جنگ و تخریب همهٔ جنبه‌های انسانی ناشی از آن، تأثیر جنگ بر کودکان و زنان و تجلیل از مدافعان وطن و خانواده‌های آنها مشاهده می‌شود. در ارتباط با ویژگی‌های بصری و صوری آثار هم می‌توان به استفاده‌های نمادین از رنگ‌های روشن برای شهیدان، و فضای تیره و خاکستری برای فضاها و تخریب‌های حاصل از جنگ و استفاده از عناصری همچون کبوتر، سیم خاردار و ... که جنگ و جنگ‌افروزی را محکوم می‌کند، اشاره کرد. در برخی آثار، چون اثر شمارهٔ ۵، از سبک اکسپرسیونیستی برای تأثیر بیشتر این فضا استفاده شده است. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده و با تطبیق آثار زنان و مردان هنرمند عرب و تطبیق آثار و تحلیل‌های آنها که از جدول‌های شماره ۱ و ۲ نتیجه می‌شوند، در جدول شمارهٔ ۳ این موارد مقایسه شده‌اند.

۱. Leila Nasir (1941) نقاش و فعال اجتماعی سوری.
۲. Neziha Selim(1927–2008) نقاش عراقی.
۳. Huda Lutfi (1948) نقاش و فعال اجتماعی مصری.

جدول شمارهٔ ۳ـ تطبیق آثار زنان و مردان از جهت صوری و محتوایی ـ طراح: نگارندگان

آثار مردان		آثار زنان	
صوری	محتوایی	صوری	محتوایی
-رنگ‌های غالب: تیره و قرمز و خاکستری - حالت غم و وحشت و اضطراب در چهره (اکسپرسیونیسم) - استفاده نمادین صلح و قربانیان جنگ (کودکان)	- تخریب‌گری جنگ - احترام به شهیدان میهن - مخالفت با جنگ - ایجاد وحشت در همهٔ اقشار جامعه (زنان و مردان و کودکان)	- رنگ‌های غالب: تیره، قرمز، خاکستری - استفاده از سلاح، سیم خاردار - نمادهای کودک، کبوتر، بناهای فرهنگی - حالت تعلیق و دربند بودن	- تخریب‌گری جنگ - آسیب‌های جنگ در همهٔ زمینه‌ها و مخالفت با آن - برگشت اهداف خصمانه به خود - ناامنی و وحشت در بین همه اقشار جامعه

جدول شمارهٔ ۳ برگرفته از دو جدول توصیفی ۱و۲ است که ویژگی‌های صوری و محتوایی آثار مردان و زنان عرب به‌صورت تطبیقی در کنار هم آمده‌اند تا شباهت‌ها و تفاوت‌های این آثار بررسی شود. با توجه به ویژگی‌های به‌دست‌آمده از لحاظ صوری و محتوایی تقریباً آثار هنرمندان زن و مرد به یکدیگر نزدیک هستند. رنگ‌های استفاده‌شده در آثار، بیانگر ابراز اغراق‌گونهٔ عواطف، استفاده از نمادهای مرتبط با موضوع، مضامین ضدّ جنگ و صلح‌طلبی و ...، و ازنظر مضمون و محتوا نیز تخریب‌گری جنگ، آسیب‌های ناشی از جنگ، ایجاد ناامنی و وحشت در میان همهٔ افراد را می‌توان اشاره کرد. براین اساس تمایز شاخصی بین آثار نمی‌توان یافت.

با توجه به دیدگاه‌های موافقان و مخالفان شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنری و ادبی، در جدول شمارهٔ ۴ شاخص‌هایی بر این مبنا تعیین شده و سپس با توجه به آثار و ویژگی‌های صوری و محتوایی آنها به بررسی شکل‌گیری این زبان پرداخته شده است. در این جدول تنها به آثار زنان هنرمند پرداخته شده است؛ آثار هنرمندان مرد، همان‌گونه که قبلاً مطرح شد، تنها جهت تطبیق و یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آثار هنرمند زن و مرد به‌کارگرفته شد، زیرا یکی از تأکیدهای مهم مخالفان زبان زنانه در ارتباط با مقایسهٔ آثار زنان و مردان شبیه‌بودن آثارشان به یکدیگر است.

جدول شمارهٔ ۴ـ تطبیق شاخص‌های زبان زنانه و آثار زنان هنرمند معاصر عرب ـ طراح: نگارندگان

زبان زنانه	شاخص‌ها	آثار	توضیحات
موافقان	مقید نبودن به قواعد حاکم بر هنر	ندارد	در نمونه‌های بررسی‌شده این ویژگی مشاهده نشد و هنرمندان برطبق سبکی که در خلق آثار خود داشتند، از آن پیروی کرده‌اند.
	به‌تصویرکشیدن موجود خیالی	ندارد	موجود فراواقعی و ناموجود در نمونه‌ها مشاهده نشد.
	نمادهای پیچیده و مبهم	ندارد یا (تاحدی)	در این نمونه‌ها، نمادهای مختلفی با معانی متنوع و گاه مخالف، مثل جنگ‌افروزی و صلح، به‌کاررفته، اما آن‌قدر

زبان زنانه	شاخص‌ها	آثار	توضیحات
			پیچیده نبودند که لایهٔ درونی آنها مشخص نباشد، بلکه از نمادهایی ساده مثل کبوتر در آن استفاده شده بود.
	چندگونگی و بی‌نظمی	ندارد	چندگونگی و بی‌نظمی در آثار به‌گونه‌ای که پیام را انتقال ندهد و نوعی بیان متمایز در آثار باشد، مشاهده نشد.
	نشان‌دادن تابوها	ندارد	در هیچ‌یک از آثار، تابویی به معرض نمایش قرار داده نشد.
	موضوع قرارگرفتن تن و برجسته نمودن اندام‌ها	ندارد	در نمونه‌های موجود، پیکر شهدا یا کودکان به‌گونهٔ مقدس و یا معصوم در معرض نمایش قرار داده شده است و زنان کاملاً پوشیده‌اند، اما از اندام به‌صورت برجسته به‌نحوی متمایز استفاده نشده است.
	وارونه ساختن ارزش‌های زیباشناختی با برجسته کردن تناقضات	ندارد	برخی از ارزش‌های زیباشناختی را می‌توان در هماهنگی میان فرم و محتوا بررسید. در این نمونه‌ها آثار در هماهنگی بودند و واجد صفت وارونگی ارزش‌های زیباشناختی نبودند.
	القای حس بیزاری چندش‌آور	ندارد یا تاحدی	در نمونه‌های بررسی‌شده موضوع تخریب‌گری همهٔ جنبه‌های زندگی انسان به‌واسطهٔ جنگ مشاهده شد، که می‌تواند نشان‌دهندهٔ بیزاری از آن باشد، اما این بیزاری، معادل آنچه در فمینیسم تعریف‌شده نیست.
	تصاویر آشفته و گیج‌کننده	ندارد	در نمونه‌های تحت بررسی، از تصاویر آشفته و یا گیج‌کننده استفاده نشده، بلکه تصاویر حتی آنجا از نماد استفاده شده است، گیج‌کننده نیستند.
	شبیه نبودن به آثار مردان	ندارد	آثار بررسی‌شده هم از لحاظ انتخاب موضوع و محتوا و ویژگی‌های صوری شبیه هم هستند.
مخالفان	انتخاب موضوع و سوژهٔ خاص، نه زبان متمایز	دارد	موضوعات متنوعی در نمونه‌های مورد بررسی مشاهده شد، اما در اینجا نمی‌توان آنها را به‌قدری خاص دانست که زبانی متفاوت را تشکیل دهند، بلکه موضوعات به موضوعاتی که هنرمندان مرد انتخاب کرده بودند، بسیار نزدیک بود؛ مثل کودک، زنان، شهیدان، ....
	تجربه‌های متفاوت از جهان	دارد	زاویهٔ دید و تجربه‌های متنوعی در آثار هنرمندان مشاهده شد، هم به‌لحاظ فردی و هم اجتماعی.
	تفاوت‌های شیوهٔ آموزش و سبک‌های متنوع	دارد	به‌واسطهٔ شیوه‌های آموزش متفاوت هنرمندان، سبک‌های متنوعی هم ایجاد شده که این تفاوت‌ها به‌دلایل مختلفی ازجمله مهاجرت هنرمندان است.

زبان زنانه	شاخص‌ها	آثار	توضیحات
	شبیه بودن آثار زنان به آثار دیگر دوران خود	دارد	با توجه به بررسی‌های جداول ۱و۲ و نتایج آنها در جدول۳ این ویژگی را می‌توان منطبق بر این آثار دانست.

با توجه به بررسی‌های انجام‌گرفته بر روی آثار هنری زنان عرب با موضوع جنگ، این آثار با شاخص‌هایی که مدعیان وجود زبان زنان در آثار هنری قائل بودند، همسو نیست؛ زیرا بی‌نظمی و پیچیدگی‌ای که ناشی از توجه‌نکردن به ضوابط حاکم بر هنر و یا وارونه ساختن ارزش‌های زیباشناختی باشد، مشاهده نشد. در این آثار پرداختن به تابوها، اسطوره‌زدایی، استفادهٔ خاص از تن و یا تصویر پدیده‌های ناموجود دیده نشد و نمادهای استفاده‌شده در آثار زنان واجد ویژگی پیچیدگی نیستند. نمادهای صلح، معصومیت، فرهنگ و تخریب‌گری جنگ وجود دارد و فاقد پیچیدگی است. ایجاد حس بیزاری تاحدی در آثار وجود داشت، اما ویژگی مشمئزکنندگی که قائلان زبان زنانه بر آن تأکید دارند، مشاهده نشد. آثار هنرمندان زن عرب در دو ویژگی فرم و محتوا به آثار هنری مردان هم‌دورهٔ خود شباهت‌های زیادی دارند (ر.ک. جدول شمارهٔ ۳).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی شکل‌گیری زبان زنانه در آثار هنری زنان معاصر عرب پرداخته و با هدف شناخت بیشتر هنر معاصر عرب در پی پاسخ این پرسش است که آیا زبان زنانه در آثار هنرمندان معاصر زن عرب شکل گرفته است؟ برای پاسخگویی به این پرسش، لازم بود تا آثار هنرمندان زن و مرد معاصر عرب با یکدیگر مقایسه شوند، اما با توجه به‌گستردگی آثار، موضوع جنگ در آثار، انتخاب شد تا پژوهش محدودتر و تخصصی‌تر شود. یافته‌های این مقاله بیانگر آن است که با فرض وجود زبان زنانهٔ مدّ نظر فمینیست‌های پسامدرن، این زبان در موضوعی اجتماعی و همه‌گیر، مانند جنگ، محقق نمی‌شود و این نکته می‌تواند یکی از نقدهایی باشد که به این نظریه وارد است که زبان زنانهٔ مدّ نظر آنان، جهانشمول و کلی نیست و در آثار همهٔ زنان و با هر موضوعی محقق نمی‌شود؛ بنابراین، زبان زنانه‌ای که منجر به آثار تفاوت و متمایزی شود که موافقان وجود زبان زنانه مدعی شده‌اند، در نمونه‌های بررسی‌شده مشاهده نشد و تنها می‌توان به تنوعی در دید هنرمندان اشاره کرد.

منابع

پروانه، علی. سلیمی، علی. (۱۳۹۶). «زنانه‌سرایی در شعر عربی، روندی نوظهور با پیشینه‌ای کم‌رنگ (با تکیه بر دیدگاه‌های نقدی عبدالله غذامی)»، پژوهشنامهٔ زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ویژه‌نامهٔ

فرهنگ، ادب و هنر. صص ۲۳-۴۵.
تقدمی نوغانی، زهرا، عزتی، ابراهیم (۱۳۹۵). «بررسی ویژگی‌های زبان زنانه در مقایسه با زبان مردانه در ترجمه رمان»، دوفصلنامهٔ تخصصی مطالعات داستانی، سال چهارم، شمارهٔ اول، صص ۲۵-۳۸.
روشنفکر، کبری. و دیگران. (۱۳۹۲). «بررسی گونهٔ کاربردی زبان زنانه در مرثیه معاصر (با تأکید بر مرثیه‌های سعاد صباح)»، فصلنامهٔ جستارهای زبانی، دورهٔ ۴، پیاپی۱۶، صص ۱۱۱-۱۳۶.
شریعتی مزینانی، سارا. مدرس صادقی، مریم (۱۳۹۰). «بازنمایی زن در آثار زنان نقاش معاصر ایران (با تأکید بر نگاه جنسی به زن)»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، سال سوم، شمارهٔ دوم، صص ۳۵-۵۴.
طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸). «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟»، فصلنامهٔ زبان‌وادب پارسی، شمارهٔ ۴۲، زمستان ۸۸، صص ۸۸-۱۰۷.
طایفی، شیرزاد. سلطانیان، مجتبی (۱۳۹۴). «بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان سووشون برپایهٔ نظریهٔ لیکاف». نامهٔ نقد. مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران.
علی محمدی اردکانی، جواد. ادراکی، مرجان (۱۳۹۵). «مطالعهٔ صورت‌بندی مؤلفه‌های آثار نقاشی زنان در ایران در دهه‌های ۱۳۷۰و۱۳۸۰»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دورهٔ ۸. شمارهٔ ۱. صص ۱-۲۸.
علی مددی، مهرنوش. مریدی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تاریخ غایب زنان نقاش ایران: مطالعهٔ جامعه‌شناختی زنان نقاش؛ از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱، صص ۷۹-۱۰۷.
کرس‌میر، کارولین (۱۳۹۰). *فمینیسم و زیبایی‌شناسی (زن در تحلیل‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی)*، مترجم افشنگ مقصودی، چ دوم. تهران: گل‌آذین.
مریدی، محمدرضا. تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۸۸). «نقاشی زنان؛ نقاشی زنانه مقایسهٔ به‌کارگیری شگردهای بصری و سبک‌های هنری در نقاشی زنان و مردان»، پژوهش زنان، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۱، صص ۱۲۹-۱۴۹.
مک‌آفی، نوئل (۱۳۹۲). *ژولیا کریستوا*. ترجمهٔ مهرداد پارسا، چ دوم. تهران: مرکز.
Abbott Pamela and Claire Wallace (2005). *An Introduction to Sociology Feminist Perspectives*. 2nd ed. New York: Routledge.
Bloomfield, Elizabeth A (2015). "Gender Role Stereotyping and Art Interpretation". MA (Master of Arts) thesis, Thesis Supervisor: Clinical Associate Professor Clara M. Baldus University of Iowa.
Brancati, Dawn (2018). "Five Ways Art and War are Related". https://politicalviolenceataglance.org/2018/01/05/five-ways-art-and-war-are-related/
Gilligan, Carol (1993). In a different voice: psychological theory and women's development. Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
Heywood, Andrew.(2012). *Political Ideologies: An Introduction*. Palgrave Macmillan.
Irigaray, Luce (1993). Sexes and Genealogies. G.C. Gills (Trans.). New York: Columbia UP.
Irigaray, Luce (1985). Speculum of the Other Woman. G.C. Gills (Trans.). Ithaca: Cornell UP.
Krolokke, Charlotte; Sorensen, Anne Scott (2005). "Three Waves of Feminism: From Suffragettes to Grrls". *Gender Communication Theories and Analyses: From Silence to Performance*. Sage.
Lakoff, Robin (1973)." Language and Woman`s Place". Language in Society. Vol.2, No, 1. pp 45-80.Cambridge: University Press. Accessed: 15/4/2009.
Lengermann, Patricia & Niebrugge Gillian. (2011). "Feminism ". The Concise

Encyclopedia of Sociology. Edited by George Ritzer and J. Michael Ryan. 223-4. Wiley- Blackwell Publication.
Leslie, Heywood; Drake, Jennifer (1997). Third Wave Agenda: Being Feminist, Doing Feminism. Minneapolis: University of Minnesota Press.
Lutfi, Dina (2019). "Bridging the Gap between Modern and Contemporary Arab Art and Arab People". International Journal of Art and Art History June 2019, Vol. 7, No. 1, pp. 6-11.
Lutsky, vladimer (1960). *Modern History of the Arab Countries.* Translated from Lika Nasser. Moscow: Progress Publishers.
Nochlin, Linda (1989). *Woman, Art, and Power and Other Essays*. United Kingdom: Westview Press.
Reger,Jo (2011). "Feminism, First, Second, and Third Waves". *The Concise Encyclopedia of Sociology*. Edited by George Ritzer and J. Michael Ryan. 224-5. Wiley- Blackwell Publication.
Toukan, H (2010). "ON Being the Other in Post-Civil War Lebanon: Aid and the Politics of Art in Processes of Contemporary Cultural Production". *The Arab Studies Journal*, *18*(1), 118-161. Retrieved December 23, 2020, from http://www.jstor.org/stable/27934080
https://hayvkahraman.com/project/works-on-paper/
https://www.barjeelartfoundation.org/collection/mona-hatoum-infinity/
https://www.barjeelartfoundation.org/collection/
https://www. syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy/
https://www. azzawiart.com
https://www. en.syriaartasso.com/artists/amr-fahed
https://www. iraqi-art.com/gallery/
https://www. iraqiart.com/gallery/gallery2.html
https://www. syriauntold.com/2013/09/19/wissam-al-jazairy
https://www. tammamazzam.com/
https://www. louaykayali.com/home.htm
https://www. al-bab.com/artwork/naim-ismail
https://www. thurayaalbaqsami.com
https://www. ifaaleiby.com
https://www. tamam-alakhal.com
https://www. encyclopedia.mathaf.org.qa/en/bios/Pages/Inji-Efflatoun.aspx
https://www. souadjundi.com/contact.php
https://www. barjeelartfoundation.org
https://www. artnet.com/artists/neziha-selim
https://www. barjeelartfoundation.org/artist/egypt/huda-lutfi